

## توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منطقه ۵ شهر اصفهان با تأکید بر مؤلفه اشتغال

نسرین اکبری ترکمانی \*

کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

وحید قاسمی

استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

احسان آقابابایی

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

### چکیده

این پژوهش با هدف توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش یکی از مراکز بهزیستی شهر اصفهان انجام شد و در صدد بود تا با مشارکت فعال افراد درگیر در مسأله، از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مشاوره‌های فردی و خانوادگی و گروهی، آموزش مهارت‌های زندگی و مهارت‌های ارتباطی، سازگاری با خانواده و دیگران، در این افراد قدرت تصمیم‌گیری و تحمل ناکامی را بالا ببرد. آموزش‌هایی نیز در زمینه خود اشتغالی و بازاریابی به آن‌ها داده شد تا با استفاده از آن بتوانند وضعیت مالی زندگی خود را بهبود بخشند. روحیه انفعالی و دریافت کمک و مستمری در آن‌ها کاهش یابد و به معنای واقعی کلمه توانمند شوند. با توجه به ماهیت مسأله مورد مطالعه، تشخیص داده شد که با روش اقدام‌پژوهی، که ویژگی خاص آن با بهره‌مندی از اصول دموکراتیک، خواهان بهبود موقعیت و ارتقاء شرایط زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی درگیر مسأله اجتماعی است، بهتر می‌توان به سؤال‌های تحقیق پاسخ گفت و از داده‌های متنوع‌تر کیفی به‌منظور انجام تحقیق استفاده کرد. داده‌ها از یازده نفر از زنان سرپرست خانوار مجتمع بهزیستی شهید حیرانی واقع در منطقه ۵ شهر اصفهان با استفاده از تکنیک گروه متمرکز و مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته جمع‌آوری و پس از کدگذاری به روش نافل و وبستر تفسیر شدند. بر اساس نتایج دو تیپ زن سرپرست خانوار، یعنی فعال و منفعل وجود دارد و موانع موجود بر سر راه توانمندی از نگاه خود آن‌ها، فقر اقتصادی، مشکلات جسمی و روانی، ناامنی محیط کار و عدم حمایت

\* نویسنده مسئول: nat200200@yahoo.com

تاریخ ارسال: ۱۹-۱-۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۲-۷-۱۳۹۷

اجتماعی اطرافیان است. برای مقابله با این موانع و دستیابی به توانمندسازی راهکارهایی برای توانمندسازی اقتصادی و روانی ارائه شد.

### واژگان کلیدی

توانمندسازی زنان؛ زنان سرپرست خانوار؛ اشتغال؛ اقدام پژوهی.

### مقدمه و بیان مسأله

زنان سرپرست خانوار<sup>۱</sup>، یکی از اقشار کم‌توان جوامع بشری هستند که توانایی اداره کردن زندگی خود و تهیه امکانات برای زندگی را ندارند. بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند، این مسأله به این دلیل است که زنان از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر بهره‌مند نیستند. وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، متأثر از عوامل فرهنگی و حقوقی، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آن‌ها با مشکل مواجه کرده است (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴). پژوهش‌هایی که در کشور اجرا شده، وضعیت نه چندان مطلوبی را نشان می‌دهند و بر نسبت بالای تعداد زنان زیر خط فقر، به‌ویژه فقر شدید زنان سرپرست خانوار تأکید دارند (فروزان و همکاران، ۱۳۸۲: شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۳). براساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۳، فقر زنان به‌ویژه فقر زنان سرپرست خانوار در کشور در مقایسه با مردان بیشتر است. براساس این گزارش، هرچند فقر در خانواده‌های با سرپرست زن و خانوارهای با سرپرست مرد دارای نوساناتی است، ولی نوسان در خانواده‌های نخست بیشتر است.

تداوم فقر و تبعیض جنسیتی علیه زنان به علت وجود موانع و محدودیت‌های گوناگون تاریخی و فرهنگی در سر راه پیشرفت و تحول وضعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها موجب طرح رویکردها و تدابیر مختلف از جمله توانمندسازی زنان در ادبیات توسعه و جنسیت شده است. توانمندسازی<sup>۲</sup> فرآیندی است که افراد جامعه از طریق آن از نیازها و خواسته‌های خود آگاه شده، نوعی خودتکایی و اعتماد به نفس را برای برطرف کردن آن نیازها به دست می‌آورند و براساس آن از توانایی لازم برای تحقق هدف‌های خود بهره‌مند می‌شوند.

1. Female- headed Households
2. Empowerment



سرپرستی خانوار امکانی است که اتفاق افتادن آن برای هر زن متأهل اجتناب‌ناپذیر است. فوت، طلاق، اعتیاد، از کار افتادگی و بیماری همسر ممکن است این مسئولیت را بر دوش زن خانواده بنهد. زنی که بدون هیچ آمادگی قبلی و به یکباره علاوه بر مسئولیت‌ها و نقش‌های خود در زندگی، باید نقش مرد خانواده را نیز ایفا کند. مشکلات هنگامی بیشتر رخ می‌دهد که مرد خانواده بیمه نباشد، منزل استیجاری باشد، زن تحصیلات کمی داشته باشد و شاغل نیز نباشد و در کنار آن از مهارت‌های فنی و حرفه‌ای هم بهره‌مند نباشد. شرایطی که شاید حتی تصور آن برای یک لحظه هم برای یک زن متأهل آزاردهنده و تکان‌دهنده است. ولی این پدیده همه روزه برای تعداد زیادی از زنان تمام جوامع در دنیا اتفاق می‌افتد.

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای با سرپرستی زن، بیش از دو میلیون و پانصد و شصت و سه هزار خانوار است. در واقع سهم زنان از سرپرستی خانوارها در سال ۱۳۹۰ (۱۲/۱) بوده است که رشد قابل ملاحظه‌پذیری را نسبت به سایر دوره‌های سرشماری نشان می‌دهد (گزیده سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران).

از آن جایی که در جامعه ما هم در سطح عرف و هم در سطح قانون اداره زندگی بر عهده مردان است، حال هنگامی که به ناچار و بدون آمادگی قبلی این مسئولیت بر دوش زن گذاشته می‌شود، او موظف به ایفای وظایف نقش سابق خود نیز هست؛ در نتیجه شرایط نسبتاً پیچیده‌ای پیش می‌آید که جامعه‌شناسان آن را در قالب مفاهیمی همچون «فشار نقش»، «ابهام نقش» و «تضاد نقش» تحلیل و بررسی می‌کنند (کوهن، ۲۰۰۰).<sup>۱</sup>

«زن سرپرست خانوار» ناگزیر از «سرپرستی» خانوار شده است، بدون آنکه نقش‌های دیگرش در خانواده را کنار گذاشته باشد؛ او «فقیر»<sup>۲</sup> است در حالی که سرپرستی مستلزم توان تأمین مایحتاج خانوار است؛ و نهایتاً اینکه «زن» است، در شرایطی که «زن» بودن به دلیل نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات موجود در جامعه، رهایی از فقر و امکان سرپرستی خود یا خانوار را برای او دشوارتر از پیش می‌کند. بنابراین، در مطالعه پیرامون «وضعیت زنان سرپرست خانوار» سر و کار محقق با «مسئله اجتماعی» پیچیده‌ای

## 1. Cohen

۲. تنها در صورتی زنان سرپرست خانوار دچار فقر نمی‌شوند که همسرانشان بیمه بوده باشند، مالک منزل خود باشند یا اینکه خودشان شاغل باشند.

است (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۱).

طبق تحقیقات انجام شده پیشین (اعظم آزاد و تافته، ۱۳۹۴؛ کرمانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ کیمیایی، ۱۳۹۰) تعدادی از زنان سرپرست خانوار ایرانی همراه با فرزندان و افراد تحت تکفل خود، زندگی را در سختی و شرایط ناگوار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سپری می‌کنند. پس در جامعه ایرانی تعدادی انسان با مسأله اجتماعی به نام زنان سرپرست خانوار مواجه هستند که باید برای رفع و حل آن تدبیری اندیشیده شود. آن چیزی که مسأله است، سرپرست بودن زنان نیست، بلکه شرایط اجتماعی و اقتصادی نابرابری است که سرپرست بودن را برای زنان به صورت یک مسأله اجتماعی تبدیل می‌کند (آبوت و والاس، ۱۳۷۶).

همواره سؤالاتی از این قبیل که اگر این قشر آسیب‌پذیر خود می‌توانست زندگیش را روایت کند، بر کدام نکته‌ها تأکید بیشتری می‌کرد و کدام یک از مسائل و مشکلات خود را برجسته‌تر نشان می‌داد و اینکه من چگونه می‌توانم متوجه شوم زنان سرپرست خانوار چه درکی از وضعیت خود دارند؟ چگونه می‌توانم وضعیت برخی از این زنان را بهبود بخشم؟ چگونه می‌توانم از الگوهای کارآفرینی برای آن‌ها استفاده کنم؟ چگونه می‌توانم متوجه شوم که وضعیت آن‌ها بهبود یافته است؟ ذهن پژوهشگر را به خود مشغول کرده بود.

از آن جایی که محقق باور دارد اعتقاد و اعتماد به خود به عنوان یک زن، کلید توانمندسازی است و برای حل مشکلات زنان سرپرست خانوار باید از توانمندسازی به جای آسیب‌شناسی استفاده کرد، به همین دلیل هدف این پژوهش توانمندسازی زنان سرپرست خانوار یکی از مراکز بهزیستی منطقه ۵ شهر اصفهان در نظر گرفته شد. هدف از توانمندسازی «تقویت توانایی زنان سرپرست خانوار در زمینه تأمین معیشت پایدار برای خود و افراد تحت پوششان» و به دنبال آن «ارتقاء توانایی ایشان در اداره و مدیریت خانواده» بوده است که در کنار هم معرف «توانمندی برای سرپرستی خانوار» است.

زنان سرپرست خانوار اصطلاح جدیدی است که با حضور بیشتر زنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاربرد پیدا کرده است (محمدی ۱۳۸۵: ۲۱) و به زنانی گفته می‌شود که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانوار را بر عهده می‌گیرند و مسئولیت اداره اقتصادی خانواده، تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی بر عهده آن‌هاست (مرکز آمار ایران ۱۳۷۹).



نتایج حاصل از پژوهش‌های میدانی متعدد در سطح کشور این یقین را به دست داده است که زنان سرپرست خانوار از عمده‌ترین گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر جامعه هستند که نبود یا ضعف منابع درآمدی، سرمایه اجتماعی و انسانی و همچنین مسائل مربوط به ایفای نقش‌های متعدد را می‌توان از جمله چالش‌های اساسی معیشت و فعالیت زنان سرپرست خانوار نام برد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۹).

امروزه با گسترش روزافزون این شکل از خانواده در همه کشورهای جهان، چه صنعتی و چه جهان سوم از جمله ایران و مشکلات اساسی آن‌ها، راهکارهای مناسب و علمی در جهت بهبود وضعیت این گروه از زنان، ضرورت بررسی را ایجاد کرده است.

توانمندسازی یکی از این راهکارها است. توانمندسازی به معنای تفویض یا اعطای قدرت به کسی است تا بتواند تغییر ایجاد کند. در سال‌های اخیر، از آن به عنوان مکانیزمی برای افزایش کیفیت زندگی زنان یاد شده است. آمارتیا سن (۱۳۹۰) در رویکرد قابلیت‌به توسعه، عاملیت بخشی به زنان را محور توسعه جوامع دانسته و خروج آن‌ها از یک خود منفعل که نیاز به توجه دیگری دارد و تبدیل آن‌ها به یک کنشگر فعال و توانمند در حوزه سیاست و جامعه را از الزامات توانمندسازی زنان معرفی می‌کند (موسوی و روانخواه، ۱۳۹۵). شاخص‌های مهم توانمندسازی عبارت هستند از: توانمندی اقتصادی، توانمندی روانی و توانمندی اجتماعی که پژوهشگران بسیاری با استفاده از روش‌های کمی و کیفی به مطالعه و تحقیق درباره آن اقدام کرده‌اند. توانمندسازی بنیادی‌ترین مفهومی است که سازم‌آن‌های حمایتی مرتبط با امور زنان سرپرست خانوار باید به آن پردازند و سعی نمایند تا به جای طرح‌های حمایتی انجام شده و ایجاد روحیه منفعل در این زنان بیشتر به این رویکرد توجه کنند. از آن جا که زنان سرپرست خانوار از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به حساب می‌آیند و با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده در ایران و سایر کشورها، اجرای برنامه توانمندسازی همواره نتایج مثبتی به همراه داشته است. با اجرای برنامه‌های توانمندسازی از وابستگی این زنان به سازم‌آن‌های حمایتی کاسته می‌شود. زنان با دسترسی به اشتغال و افزایش سطح درآمد به سطوح طبقاتی بالاتر ارتقاء می‌یابند و این امر باعث توانمندی روانی آن‌ها شده و به قدرت تصمیم‌گیری، کنترل بر زندگی، حل مسأله و افزایش سازگاری منجر می‌شود.

برای احاطه بر موضوع مورد مطالعه و به‌کارگیری تجارب دیگران در فرآیند انجام پژوهش

حاضر، تلاش شده تا تحقیقاتی که موضوع مورد نظر را بررسی کرده‌اند یا به زمینه‌ای مشابه و نزدیک به آن توجه کرده‌اند، مرور شده و روش و نتایج اتخاذ شده توسط آن‌ها، ارزیابی شود. با توجه به اهمیت موضوع پژوهش حاضر یعنی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، در ایران پژوهش‌هایی انجام شده که به طور کلی با موضوع زنان سرپرست خانوار مرتبط هستند. اکثر پژوهش‌های انجام شده به روش پیمایش انجام شده است، ولی در سال‌های اخیر تغییر این روند به سمت پژوهش‌های کیفی کاملاً محسوس است. در ادامه به اختصار به چند مورد از آن اشاره می‌شود.

پژوهشگر	عنوان پژوهش	سال	روش پژوهش	نتایج کلیدی
منصوره اعظم آزاده؛ مریم تافته	روایت زنان سرپرست خانوار از موانع- شادمانی	۱۳۹۴	کیفی	موانع شادمانی منجر به طردی خود خواسته و تحمیلی در زندگی زنان شده و شرایط نامناسب گذشته و حال و پیش‌بینی آشفته از آینده‌ای مبهم، بستری را برای کاهش احساس شادمانی فراهم آورده است.
ندا مومنی زاده	تحلیل مقایسه‌ای در خصوص زنان سرپرست خانوار	۱۳۹۳	کمی	با به کارگیری برخی معیارها و شاخص‌های آماری، به بررسی شکاف جنسیتی بین مردان و زنان و به ویژه زنان سرپرست خانوار اقدام شد و ملاحظه گردید که همواره زنان در موقعیت بدتری نسبت به مردان قرار گرفته‌اند.
مهدی کرمانی، محمد مظلوم خراسانی، حسین بهروان، محسن نوغانی	عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار	۱۳۹۲	کمی	یافته‌های تحقیق بیانگر تأثیرگذاری قوی توانمندی اقتصادی بر متغیر وابسته تحقیق بوده است. در بین متغیرهای زمینه‌ای نیز سن، اثر منفی و مدت سرپرستی اثر مثبت بر متغیر وابسته داشته است. همچنین در مجموع زنان مطلقه نسبت به سایر زنان از سطح توانمندی بالاتری برخوردار بوده‌اند.
سید علی کیمیایی	شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار	۱۳۹۰	کیفی	اجرای طرح توانمندسازی روانی سبب شده است تا زنان سرپرست خانوار در حوزه‌های مختلف روان‌شناختی همچون، خودکارآمدی، خود-ارزشمندی و عزت نفس، کنترل بر زندگی، قدرت تصمیم‌گیری، حل مسئله و افزایش سازگاری توانمند شوند، که خود سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر است.
محمد امین شریفی، علی اسدی، خلیل کلانتری و حسین آگهی	تعیین عوامل مؤثر در تحقق خودکفایی زنان سرپرست خانوار	۱۳۸۹	کمی	نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین شاخص کمی خودکفایی زنان سرپرست و «خود ارزیابی» آن‌ها وجود دارد. همین‌طور نتایج بیان‌کننده آن است که نسبت تحقق خودکفایی در میان زنان فوت همسر بیشتر در میان زنان ترک شده و مطلقه کمتر از سایر گروه‌هاست.



پژوهش‌های خارجی نیز با روش‌های کمی و کیفی از زوایای مختلف، مسائل مربوط به زنان سرپرست خانوار را بررسی کرده‌اند که اغلب پژوهش‌های کیفی به روش موردپژوهی در کشورهای در حال توسعه و در روستاها انجام شده‌اند. در ادامه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

پژوهشگر	عنوان پژوهش	سال	روش پژوهش	نتایج کلیدی
آلیا بوشرا، نسرا وجیها	دستیابی به توانمندی اجتماعی- اقتصادی زنان در پاکستان	۲۰۱۵	کمی	نتایج نشان داده است، هنگامی که تحصیلات، مشارکت‌های اقتصادی و موقعیت‌های اقتصادی برای زنان در دسترس باشد، توانمندی زنان افزایش می‌یابد. پس با تمرکز بر این عوامل می‌توان نقش زنان در جامعه را پررنگ‌تر کرد.
کاترینا سیلز	کارگاه‌های توانمندسازی، برابری جنسیتی، اشتغال و تغییرات اجتماعی	۲۰۱۴	کیفی	افزایش بیکاری در اروپا به‌نسب برابر، بی‌عدالتی و تبعیض اشتغال علیه زنان وابسته است. شرایط زنان جوان و کم‌سواد به مراتب وخیم‌تر است، زیرا در این گروه‌ها میزان بیکاری بالاتر است. محقق در این پروژه پدیده بیکاری زنان را با رویکرد انتقادی و به امید تغییرات اجتماعی دنبال می‌کند. محیط کار منعطف تأثیر مثبتی بر توانمندی زنان و کیفیت زندگی دارد. منظور از انعطاف‌پذیری محیط کار، شروع و پایان کار در زمان‌های مختلف و به صورت غیر ثابت است. همچنین کار نیمه وقت، کار در خانه، کار از راه دور، انتخاب شیفت توسط خود کارمند و انتخاب زمان ترک محل کار توسط وی است.
سانتی سیتانینگسه، روسیتا سی پی، اما هانی و ایما راجمانیا	توانمندسازی زنان از طریق صنایع خلاق(دستی)	۲۰۱۲	کیفی	توانمندسازی زنان در تجارت‌های کوچک و متوسط یکی از راه‌حل‌های مناسب برای ارتقاء مهارت‌ها و توانایی زنان اندونزیایی است. اشتغال آن‌ها می‌تواند زندگی را بهبود بخشد.
سیلویا چانت	زنان سرپرست خانوار و زنانگی فقر	۲۰۰۳	کمی	در شرایطی که نان‌آور خانواده به جای دو نفر، یک نفر است و زنان در بخش غیر رسمی و در شغل‌های کم ارزش‌تر و با دستمزد کم‌تر اشتغال دارند، باید انتظار داشت که زنان سرپرست خانوار با خطر فقر بیشتری مواجه شوند. محدودیت تحرک اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر عوامل فرهنگی و قانونی، مبارزه با فقر را برای زنان دشوارتر کرده است.

## روش پژوهش

در این پژوهش روش کیفی «اقدام پژوهی»<sup>۱</sup> به کار برده شد. اقدام پژوهی روش تحقیقی است که مستلزم درک واقعیت و دقت زیاد است تا از این طریق، فعالیت‌های اجرا شده در هر مرحله به‌طور مداوم اصلاح شود و در نهایت نتایج و پیامدهای مستند و مبتنی بر دلیل و مدرک به‌دست آید. این عمل می‌تواند به اقدام پژوهان کمک کند تا در پژوهش خود به‌طور مداوم پیشرفت کنند (کوشای، ۱۳۹۰: ۱۲).

اقدام پژوهی با چهار مرحله اصلی تشخیص، برنامه عمل، انجام عمل و ارزیابی عمل مواجه است.

**تشخیص:** در مرحله تشخیص ابتدا باید مواردی شناسایی شوند که در فرآیند تحقیق قرار می‌گیرند. منظور از فرآیند آن است که تشخیص می‌تواند در دوره‌های بعدی اقدام پژوهی تغییر کند. تشخیص باید با مشارکت افراد درگیر با مسأله یا مشکل باشد. در اقدام پژوهی، محقق خود به عنوان یک کارشناس و مستقل از دیگران این فرآیند را طی نمی‌کند، بلکه زمینه مشارکت دیگران را نیز در تشخیص فراهم می‌کند.

**برنامه عمل:** مرحله دوم در فرآیند اقدام پژوهی به دنبال تحلیل شرایط و هدف پروژه تحقیق ایجاد می‌شود. یک چارچوب منطقی را برای موارد مورد مطالعه و تشخیص این موارد فراهم می‌کند. به همین لحاظ برنامه عمل، متمرکز بر مرحله اول است. در این مرحله، چگونگی اجرای هر پروژه با مشارکت افراد درگیر در پروژه ارائه می‌شود و متمرکز بر مرحله تشخیص است.

**انجام عمل:** در مرحله انجام عمل، به عنوان سومین مرحله اقدام پژوهی، برنامه عملی تدوین شده، در این مرحله اجرایی می‌شود.

**ارزیابی عمل:** در این مرحله نتایج عمل چه مورد انتظار و چه غیر قابل انتظار برحسب این که آیا تشخیص اولیه صحیح بوده است؟ آیا انجام عمل به درستی انجام شده است؟ آیا انجام عمل به شکل مطلوب انجام شده است؟ و در پایان چه نتایجی برای مرحله بعد در خدمت به تشخیص، برنامه عمل و انجام عمل به‌دست آمده است؟ ارزیابی می‌شود (ایمان، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۱۲).





**میدان تحقیق:** میدان تحقیق مجتمع بهزیستی شهید حیرانی، یکی از مراکز بهزیستی واقع در منطقه ۵ اصفهان بود. منطقه ۵ (شامل خیابان‌های چهارباغ بالا، نظر، میر، حکیم نظامی، توحید، خاقانی و...) یکی از نواحی برخوردار شهر اصفهان است، با توجه به بهره‌مندی این ناحیه از امکانات بیشتر، نسبت به نواحی دیگر شهر اصفهان، تصور پژوهشگر این بود که زنان سرپرست خانوار این ناحیه باید وضعیت بهتری نسبت به زنان نواحی دیگر داشته باشند و با توجه به زمان محدود انجام پروژه شاید بتوان سریع‌تر به توانمندسازی آن‌ها دست یافت و نتایج تحقیق را در نواحی غیر برخوردار نیز تعمیم داد.

در مجتمع بهزیستی شهید حیرانی ۵ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای<sup>۱</sup> توانمندسازی طی یک ماه برای زنان سرپرست خانوار برگزار شد. علاوه بر آن چند جلسه مشاوره فردی و گروهی و همچنین مهارت‌های زندگی و مهارت‌های ارتباطی برای بالا رفتن میزان قدرت حل مسئله نیز اجرا شد. آموزش‌های کوتاه مدتی در زمینه خود اشتغالی و بازاریابی اینترنتی نیز داده شد. بعد خانوار در این زنان بین ۲ - ۷ نفر، میزان تحصیلات آن‌ها بی‌سواد محض تا دیپلم، سن آن‌ها بین ۲۹ - ۵۰ سال بود. در بین آن‌ها ۴ نفر طلاق گرفته بودند، شوهر یک نفر فوت کرده بود و بقیه شوهران معتاد یا بیمار اعصاب و روان و یا با معلولیت جسمی داشتند. از نظر مهارت‌های حرفه‌ای یک نفر آشپز حرفه‌ای بود، یک نفر به طور کامل با کامپیوتر و حسابداری آشنایی داشت، سه نفر تابلو فرش می‌بافتند و بقیه هنرهایی مانند آشپزی، بافتنی، قلاب‌بافی، درست کردن ترشی و مربا را در حد معمول می‌دانند. همه این زنان به جز سه نفر که مالک خانه هستند و یک نفر که پس از فوت مادر شوهرش در خانه او به سر می‌برد، در منازل استیجاری زندگی می‌کردند.

نمونه‌گزینی از طریق نمونه‌گیری همگن انجام شد. در نمونه‌گیری همگن بررسی دقیق و عمیق افراد با خصوصیات مهم و مشترک هدف اصلی است (تاپین، ۲۰۱۱). این روش شامل انتخاب افرادی می‌شود که خصوصیات مشترک زیادی دارند. در این تحقیق نیازمند بودن زنان سرپرست خانوار غیر شاغل، به آموزش‌های غیررسمی و اشتغال وجوه مشترک این افراد است. بنابراین، نمونه تحقیق با استفاده از نمونه‌گیری همگن شامل ۱۱ نفر از زنان سرپرست مجموعه

۱. ابتدا قرار بود جلسات کلاس‌ها ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای باشد، ولی به دلیل مصادف شدن برگزاری کلاس‌ها با ماه مبارک رمضان برای کاهش میزان رفت و آمد مشارکت‌کنندگان ۵ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای برگزار شد.

بهبودی شهید حیرانی است.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، گروه متمرکز و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته است. پس از انجام ۹ مصاحبه، پژوهشگر متوجه شد که سخنان و نظرات مشابهی را به طور مکرر می‌شنود، بنابراین به اشباع داده‌ها دست یافته شد. به گفته لیوینگ استون (۲۰۰۹) پس از آن که پژوهشگر احساس کرد داده‌های به دست آمده در حال تکرار هستند، باید چند مصاحبه تکمیلی برای تأیید این ایده خود انجام دهد. پس دو مصاحبه دیگر نیز انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها ضبط شده و به متن نوشتاری تبدیل شدند و سپس فرآیند بررسی محتوای داده‌های به دست آمده از گفته‌ها و نوشته‌ها آغاز شد. فرآیند تحلیل داده‌ها شامل شناسایی گفته‌های اساسی و کلیدی و دسته‌بندی آن‌ها برحسب مقوله‌هاست (گیلهم، ۱۳۸۶: ۵۹).

ابزار تجزیه و تحلیل در این پژوهش کدگذاری و تفسیر مصاحبه‌ها است. در این روش پژوهشگر با سازمان‌دهی داده‌های خام، در قالب طبقات مفهومی، موضوع‌ها یا مفاهیمی به وجود می‌آورد که از آن‌ها برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌کند (نیومن، ۱۳۹۰: ۴۸۵). در این پژوهش از روش نافل و وبستر (۱۹۸۸) استفاده شد. در این روش ابتدا مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شدند، پس از بررسی هر پاراگراف، جمله مهم آن را انتخاب (کد توصیفی)، به توصیف‌های به دست آمده عنوان کد تفسیری داده شد و در نهایت کدهای تفسیری به کد تبیینی کاهش داده شدند و نتایج بر اساس کدهای تبیینی گزارش نویسی شدند.

یکی از منابع اعتبارسنجی، «سه سوسازی»<sup>۱</sup> است؛ یعنی باید از سه منبع برای تأیید یافته‌ها استفاده کرد. منطق این روش آن است که نتایج به دست آمده از یک منبع اغلب موجب تقویت نتایج به دست آمده از منابع دیگر می‌شود و بدین سان می‌توان داده‌های معتبرتری فراهم کرد (ویلیس، ۲۰۰۷ به نقل از کریمی و نصر). هنگامی که پژوهشگر از این راهبرد استفاده می‌کند باید درباره تمام منابع توضیح دهد که برای جمع‌آوری داده‌ها به کار برده است. در این پژوهش از منابع «مصاحبه»، «گروه متمرکز» و «اعتبار توسط مصاحبه شونده‌گان»<sup>۲</sup> برای اعتبارسنجی استفاده شده است و علاوه بر آن تلاش شد که گزارش نهایی منسجم باشد و برای

## 1. Triangulation

۲. این روش عبارت است از بررسی صحت یافته‌های پژوهش توسط مصاحبه‌شوندگان به منظور تعیین آنکه آیا این پژوهش به شکل صحیح دیدگاه‌های آن‌ها را درباره موضوع پژوهش تحت پوشش قرار می‌دهد یا نه؟



«باورپذیری» به بیان سخنان نمونه‌ها استناد شد، یعنی برای هر مقوله مثال‌هایی از سخنان مشارکت‌کنندگان در تحقیق آورده شد.

### یافته‌های پژوهش

پس از اجرای مراحل اقدام پژوهی و تحلیل داده‌های گروه متمرکز و مصاحبه‌ها، وجود دو سطح در مورد این زنان آشکار شد: زنان سرپرست خانوار فعال و منفعل. زنان سرپرست فعال، مسئولیت‌پذیر، جسور و بی‌باک، خلاق، نسبتاً خوشحال، پراورزی، مستقل، با انگیزه، ریسک‌پذیر، حساس و باریک بین هستند و از پتانسیل‌های درونی خود استفاده می‌کنند. مشکلات و موانع را می‌شناسند و اهدافشان نیز مشخص است. زنان سرپرست خانوار فعال به راحتی وضعیت خود را ارزیابی می‌کنند. در این تحقیق زنان مطلقه به این گروه تعلق دارند.

منفعل‌ها از مسئولیت‌پذیری اجتناب می‌کنند، ترسو، پیرو سنت و قوانین، بی‌حال و سست، افسرده، وابسته، بی‌انگیزه، دور از ریسک، بی‌دقت و پتانسیل‌های درونی خود را از بین می‌برند. در پژوهش حاضر زنان دارای همسران بیمار اعصاب و روان شامل این گروه می‌شوند. علاوه بر آن با تحلیل داده‌های این پژوهش به مفهوم مهم موانع توانمندسازی زنان پی برده شد. موانع موجود بر سر راه توانمندسازی زنان از نگاه خود آن‌ها، فقر اقتصادی، مشکلات جسمی و روانی، ناامنی محیط کار و عدم حمایت اجتماعی اطرافیان بود.

### الف- فقر اقتصادی

پس از اجرای مرحله اول اقدام پژوهی و مصاحبه‌هایی که به صورت جداگانه انجام شد، یکی از بنیادی‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار بیان شده در تمامی مصاحبه‌ها فقر اقتصادی بود. دلایل دچار شدن آن‌ها به فقر عبارت است از:

نداشتن تحصیلات و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، به دلیل ممانعت والدین آن‌ها از ادامه تحصیل یا اجبار به ازدواج در سنین پایین با شرایط بسیار نامطلوب باعث شده است که این زنان نتوانند به شغلی با منزلت و متناسب با توانایی‌ها و علایق خود دست یابند و در نتیجه نمی‌توانند بر فقر اقتصادی غلبه کنند. پس بنا به اظهارات خود آن‌ها تحصیلات باعث می‌شد که این افراد به مشاغل دست یابند که جایگاه اجتماعی و اقتصادی بهتری را برای آن‌ها به ارمغان آورد.

زهرا، سرپرست خانوار دیپلمه، مطلقه که دارای چهار فرزند است می‌گوید: «من اینقدر درسخون بودم که امید پزشکی به من داشتن، (آهی می‌کشد)، ولی فنا شدم. اگه خونوادم گذاشته بودن درسمو بخونم حالا دیگه مجبور نبودم برای یه لقمه نون به هرکاری تن بدم و پرستار بچه بشم و با بدترین شرایط کار کنم. حتماً می‌تونستم یه کاری در شأن خودم پیدا کنم و همیشه هم هشتمون گرو نهمون نبود». مصاحبه شماره (۱)

طاهره، سرپرست خانوار دارای دو فرزند و همسر معتاد با معلولیت جسمی می‌باشد که تا کلاس پنجم درس خوانده است و می‌گوید: «من تا کلاس پنجم بیشتر نخوندم، دختر زرنگی بودم، ولی چون هفت تا بچه بودیم و من از همه بزرگتر بودم و باید بقیه بچه‌هارو بزرگ می‌کردم نداشتن بیشتر ادامه تحصیل بدم. اگه درسمو خونده بودم حتماً الآن کار می‌کردم و وضع مالی‌مون بهتر بود». مصاحبه شماره (۲)

۱- دسترسی به اشتغال در منزل نیز یکی دیگر از بایدهایی است که اکثر زنان سرپرست خانوار به آن اشاره کرده‌اند. زنانی که به دلیل بیماری همسران، فرزندان یا خودشان نمی‌توانند در خارج از منزل به کار مشغول شوند یا برای نظارت بر تربیت فرزندانشان تمایل به کار در منزل دارند، هر روز بیش از پیش دچار فقر اقتصادی می‌شوند، زیرا امکان اشتغال در بیرون از منزل برای آنها وجود ندارد پس ناچارند با مستمری کم بهزیستی و یارانه به زندگی خود ادامه دهند. زنان سرپرست خانوار به دنبال مشاغلی هستند که در خانه قابل انجام باشد تا هم بتوانند معیشت خانواده را تأمین کنند و هم با اقتدار بر فرزندان و همسرانشان نظارت داشته باشند.

حمیده، ۵۰ ساله و دارای ۵ فرزند که همسرش به اسکیزوفرنی شدید مبتلا است می‌گوید: «من دلم می‌خواد کاری داشته باشم که توی خونه باشه. الآن من اینجا نشستم بچم مریضه. خودم اینجام، ولی دلم اونجاس. وقتی من خونه مردم یا توی تالار تا ساعت ۳ نصف شب کار می‌کنم، نمی‌دونم الآن بچه‌هام با کی رفتن؟ کجا رفتن؟ و همش نگرانم». مصاحبه شماره (۳)

طوبا، دارای پسر بچه ۵ ساله‌ای است که به دلیل شرایط زمان بارداری (بحث



و مشاجره با همسر) و مشکلات پس از آن دچار اضطراب شدید است، وی می‌گوید: «من خیلی احتیاج به اشتغال دارم، ولی کار نمی‌کنم چون نمی‌تونم بچه رو پیش کسی بذارم و یا تنهاش بذارم. چون اگه تنهاش بذارم، اضطرابش بیشتر میشه. اون از همه چی می‌ترسه، از راه رفتن و حرف زدن. الان که ۵ سالشه نه حرف می‌زنه و نه راه میره. حتماً باید یه کاری باشه که بتونم توی خونه انجام بدم». مصاحبه شماره (۴)

۲- هیچ کدام از زنان مطلقه شرکت کننده در این پژوهش موفق به گرفتن مهریه خود نشده‌اند. همسران آن‌ها عرصه را چنان بر آن‌ها تنگ کرده‌اند که بسیاری از آن‌ها مهریه خود را بخشیده‌اند که این نیز باعث فقر اقتصادی بیشتر آن‌ها شده است. در حالی که از نظر مصاحبه‌شوندگان اگر مهریه خود را می‌گرفتند این پشتوانه مالی شاید می‌توانست به سر و سامان اقتصادی آن‌ها و فرزندانشان بینجامد.

زهرا، پس از ۲۱ سال زندگی زجرآور با همسر بیمار و دارای سوء ظن، بدون گرفتن مهریه از او جدا می‌شود و حضانت ۴ فرزندش را نیز خود به عهده دارد. او می‌گوید: «از اول هدف شوهرم این بود که اینقدر اذیت کنه که من مهریه نگیرم. به من گفت در صورتی دست از سرت بر می‌دارم که از من هیچی نگیری. بعد هم گفت بابت مهریه می‌تونم ماهی ۴۰۰۰۰ تومن بدم که اصلاً من نگرفتم». مصاحبه شماره (۱)

ملیحه، سرپرست خانواری که پس از ۲۰ سال زندگی از همسرش جدا شده و اکنون پس از ۸ سال هنوز موفق به دریافت مهریه خود نشده است. او می‌گوید: «مثلاً طلاق من همه کاراش شده، ولی ثبت نشده تا مهریه رو بگیرم و بعد از ۸ سال نمیده مهریه رو. وکیل هم دارم، ولی مادر شوهرم به دادگاه می‌گه پسر من مریضه و وبال منه من باید خرجشو بدم». مصاحبه شماره (۵)

۳- در این میان افراد سودجو در جامعه با توجه به شرایط نامناسب اقتصادی زنان سرپرست خانوار آن‌ها را مورد سوء استفاده قرار می‌دهند و در ازاء انجام کارهای زیاد و طاقت‌فرسا پول

ناچیزی به آن‌ها پرداخت می‌کنند. چون می‌دانند زنان مذکور مجبور به تن دادن به کار با مبالغ ناچیز هم خواهند شد.

حمیده می‌گوید: «برای تمیز کردن پله‌ها و آسانسور و درای ورودی و حیاط یه آپارتمان ۵ طبقه ۲۰۰۰۰ تومن به من میدن چون مجبورم و به پولش احتیاج دارم این کارو انجام میدم. (مصاحبه شونده برای باوراندن حرف خود به صاحب کارش زنگ می‌زند و صدا را روی بلند گو میگذارد تا مصاحبه‌گر متوجه میزان کار و دستمزد شود)». مصاحبه شماره (۳)

زهرا هم می‌گوید: « ۴۵۰ هزار تومن در ماه برای پرستاری بچه و کار خونه به من میدن در حالی که شرکتا میگن فقط پرستاری بچه بیشتر از اینه و اگه کار خونه هم اضافه بشه باید ۷۰۰ هزار تومن بدن. ساعت کار من تا دو بعد از ظهره، ولی بعضی وقتا تا ساعت ۶ هم می‌مونم البته بدون اضافه کاری. بعضی وقتا صبح که میرم می‌بینم یه پتوی دو نفره و فرشو خیسوندن که من بشورم. وقتی هم که اعتراض می‌کنم میگن اگه نمی‌خوای برو ما یه نفر دیگه رو میاریم. تا دلت بخواد از این آدم‌ها هست. در حالی که هر دو شون پزشکن یکی پزشک عمومی و یکی متخصص». مصاحبه شماره (۱)

۴- بیمه نبودن همسران این زنان مشکل دیگری است که آن‌ها را بیش از پیش دچار فقر می‌کند و مسلماً در آینده نیز با کهولت سن و عدم توانایی برای انجام کار مشکلات آن‌ها دو چندان خواهد شد.

ملیحه هم می‌گوید: «من و دو تا بچه‌هام ماهی ۶۰۰۰۰ تومن از بهزیستی می‌گیریم. اونم دو سال بود که قطع شده بود، گفتن پرونده‌مون گم شده. در حال حاضر ۳-۴ ماهیه که پیدا شده و دوباره می‌گیریم. ما کارت سلامت نداریم، بیمه هم نیستیم. فقط همین ماهی ۶۰ تومن از بهزیستی می‌گیریم». مصاحبه شماره (۵)

شهین، ۴۸ ساله دارای مدرک دیپلم، دو سال است که شوهرش فوت کرده و دو فرزند دارد. می‌گوید: «من دو سال بود که دیگه کار نمی‌کردم. بعد از فوت



شوهرم دیدم اینجوری همیشه چون شرایط زندگی برامون خیلی سخت شده بود آخه شوهرم بیمه نبود.» مصاحبه شماره (۶)

### ب. مشکلات جسمی و روانی

زنان سرپرست خانوار از گروه‌های آسیب‌پذیری هستند که به دلیل مواجهه بودن با وضعیت اقتصادی نامناسب و مسئولیت‌های چندگانه، با مشکلات زیادی در رابطه با سلامتی خود روبرو هستند. درباره اینکه آیا فقر با اختلالات روانی رابطه مثبت دارد، تبیین‌های تأیید کننده مختلفی وجود دارد. زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های آن‌ها به دلیل شرایط خاص زندگی با مشکلات عدیده جسمی سر و کار دارند. این زنان به دلیل شرایط خاصی که در زندگی تجربه می‌کنند، از نظر سلامت روان نیز در خطرند.

زنان سرپرست خانوار هم خودشان و هم فرزندانشان از بیماری‌های جسمی و روحی فراوانی رنج می‌برند و چون قادر به پرداخت هزینه‌های درمان نیستند، بیماری روز به روز پیشرفت می‌کند که این باعث سخت‌تر شدن درمان و بالاتر رفتن هزینه‌ها می‌شود.

حمیده، که مدت ۲۲ سال است که سرپرستی خانواده را به عهده دارد. او می‌گوید: «بچه‌ها داغونن، افسرده شدن. یکی از پسران صرع داره. دخترم چند بار خودکشی کرده، پسران عصبی و پرخاشگرن و همیشه باهاشون حرف زد. شوهرم هم که اسکیزوفرنی شدید داره و مرتب بیمارستان فارابی بستریش می‌کنم. یه پسر هم که تنبلی چشم داشت، دو سال پیش باید پیوند قرنیه می‌شد ولی ما دو میلیون نداشتیم که بدیم. حالا چشم چپش به کلی دید نداره و کور شده...» مصاحبه شماره (۳)

افسردگی بیماری شایعی است که زنان سرپرست خانوار و فرزندانشان در دام آن اسیرند.

سلامت روانی مادر در تعیین سلامت روانی و اجتماعی فرزندان نقش به‌سزایی دارد.

زیور، سرپرست خانوار ۴۷ ساله‌ای است که همسرش بیمار اعصاب و روان است. دارای ۴ فرزند است و مدت ۵ سال است که سرپرستی خانواده را به عهده دارد. او می‌گوید: «من افسردگی شدید دارم و روزی ۳ تا قرص می‌خورم. پسر کوچیکم می‌گه مامانی حال من یه طوریه که می‌خوام بپریم به همه

و باهاشون دعوا کنم. یه کم سم بریز توی قوری تا هممون بخوریم و بمیریم. خودم که افسردم بچه‌هامم افسرده شدن». مصاحبه شماره (۷)

### ج. مشکل ناامنی محیط کار و محرومیت از حمایت‌های اجتماعی

زنان سرپرست خانوار در محیط‌های کاری خود نیز با مشکلاتی مواجه‌اند که در ابعاد متفاوتی نمود می‌یابد که از تقاضای ازدواج‌های نامطلوب و بدون شرایط مناسب آغاز شده و به موارد دیگری مانند پیشنهاد صیغه شدن و روابط نامشروع نیز می‌انجامد. اکثر این زنان در این موقعیت‌ها مجبور به ترک محیط کار می‌شوند که ناچارند مدت زمانی را بیکار و با نداشتن درآمد طی کنند تا کار جدیدی پیدا کنند.

بسیاری از افراد جامعه از برقراری روابط اجتماعی با زنان بیوه و مخصوصاً زنان مطلقه امتناع می‌ورزند. بسیاری از زنان نگران برقراری ارتباط آن‌ها با همسرانشان می‌باشند. پس، از این زنان فاصله می‌گیرند. حمایت اجتماعی، محبت، توجه و مساعدتی است که فرد از جانب اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد دریافت می‌کند. محدودیت شبکه‌های اجتماعی زنان سرپرست خانوار که خود برخاسته از عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیرامون ایشان است تهدیدی جدی برای سلامتی روانشان محسوب می‌شود. گاهی حتی بستگان نزدیک این زنان نیز نسبت به آن‌ها سوء ظن دارند که به گفته خود آنان تحمل این مورد سخت‌تر است.

زهرا می‌گوید: «من شرکت شوهر خواهرم کار می‌کردم. خواهرم مشکل پوستی پیدا کرد و بعد هم مشکل روحی و بدبینی نسبت به من شروع شد و گفت که با شوهرش رابطه دارم. شما نمی‌دونید زن‌های مطلقه مثل ویا می‌مونن. مثلاً همسایه‌های ما با ما رابطه برقرار نمی‌کنن. توی محیط‌های مختلط زنونه، مردونه هم من از نگاه‌های مردم متوجه می‌شم که دلشون نمی‌خواد من اونجا حضور داشته باشم. شما فکرشو بکنید اگه خواهر آدم این حسو به آدم داشته باشه، دیگه از بقیه انتظاری نیست. من همه چی رو تعطیل کردم و سر کار نرفتم باهاشون قطع رابطه کردم». مصاحبه شماره (۱)

کار در بعضی محیط‌ها مانند رستوران‌ها و تالارها به دلیل کار تا پاسی از شب ناامنی بیشتری را برای این زنان به دنبال دارد. گاه نیز دیده می‌شود که کارمندان ارگ‌آنهايي که مسئولیت





حمایت از این زنان را دارند، با توجه به آگاهی از شرایط این زنان به آن‌ها پیشنهادهایی نامناسب می‌دهند.

حمیده می‌گوید: «کار توی رستوران و تالارها هم خیلی امن نیست. خیلی وقتا میشه که به آدم پیشنهاد صیغه یا حتی رابطه جنسی میدن. این مسائل خیلی زیاده. من خودمو خیلی جدی می‌گیرم که کسی جرأت نکنه چیزی بهم بگه ولی با این همه یه بار رفته بودم کمیته امداد که وقتی اومدم بیرون دیدم یکی از کارمندا اومد دنبالم و گفت خانم یه چیزی بگم ناراحت نمیشی؟ من گفتم تا چی باشه؟ گفت شما صیغه می‌شید؟ گفتم برو خجالت بکش من شوهر دارم». او همچنین می‌گوید: «من از شوهرم طلاق گرفتم، ولی با هم زندگی می‌کنیم (مصاحبه‌گر: چه جالب، مگه میشه؟) چون پسر عمومه و پدر بچه‌هامه هیچ کی رو نداره ازش مراقبت کنه، فقط یه پدر پیر داره. من وقتی میرم توی تالارا کار می‌کنم و ۳ نصف شب میام خونه، میگم بذار همسایه‌ها بگن شوهر داره و یه وقت فکر بد در مورد من نکن. مگه اونا نمی‌دونن شما طلاق گرفتین؟ نه هیچ کس نمیدونه». مصاحبه‌گر شماره (۱)

بر مبنای کدگذاری و تحلیل داده‌های پژوهش سه مانع عمده بر سر راه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار وجود دارد که عبارت‌اند از فقر اقتصادی، مشکلات جسمی و روانی، ناامنی محیط کار و محرومیت از حمایت‌های اجتماعی. این موانع باید از سر راه برداشته شوند تا زنان سرپرست خانوار به معنای واقعی کلمه توانمند شوند. برای از میان برداشتن این موانع مراحل دوم و سوم اقدام پژوهی اجرا شد.

### مرحله دوم اقدام پژوهی: برنامه عمل

مرحله دوم در اجرای فرآیند اقدام پژوهی برنامه عمل است که در این مرحله، چگونگی اجرای پروژه با مشارکت افراد درگیر پروژه مطرح می‌شود. در این گام درباره درآمد و اشتغال در کوتاه‌ترین زمان ممکن با تأکید بر ابتکار و خلاقیت بحث و تبادل نظر شد. در ابتدای این جلسه به زنان مشارکت کننده گفته شد که باید همیشه دنیای اطراف خود را بهتر مشاهده کنند و سعی کنند از ابزار و وسایلی که کاربردی ندارند، به عنوان یک منبع درآمدزا استفاده کنند. از

آن‌ها پرسیده شد برای مثال چگونه می‌توان یک سی دی سوخته یا یک میوه کاج را تبدیل به یک کالای قابل فروش کرد؟ سپس پژوهشگر به هر یک از آن‌ها یک سی دی سوخته و یک میوه کاج داد و از آن‌ها خواسته شد تا هفته آینده این دو شیء را تبدیل به کالای قابل فروش کنند (مرحله برنامه عمل که مشارکت‌کنندگان باید حتماً در آن شرکت کنند). آموزش توانمندی روانی با استفاده از مشاوره‌های گروهی، دلگرم‌سازی و تقویت تاب‌آوری انجام شد. از مشاوره گروهی، به دلیل اینکه از نظر زمانی وقت کمتری را می‌گیرد، استفاده شد. در این روش اعضای گروه رفتارهای جدید را از سایرین در گروه آموختند و به انتقاد سازنده از خود و دیگران اقدام کردند. سپس پژوهشگر به این نکته توجه کرد که قدرت تاب‌آوری در این زنان را نیز باید بالا برد. تاب‌آوری مفهومی است که تمرکز ما را از شکست خوردن در شرایط سخت به سوی رشد ویژگی‌های فردی و اجتماعی سوق می‌دهد. از عوامل مؤثر بر تاب‌آوری، دلگرم‌سازی است. افراد دلگرم احساس تعلق بیشتری می‌کنند و در مواجهه با چالش‌های زندگی، توانمندی و تحمل بیشتری دارند و در برابر استرس‌ها و مشکلات، بیشتر تاب می‌آورند.

متولی مشخصی در جامعه برای رسیدگی و نظارت بر وضعیت کار این زنان وجود ندارد. هم‌اکنون محیط‌های کوچک و بسته در بسیاری از مؤسسات خصوصی زمینه آسیب‌پذیری زنان را فراهم می‌کند. نظارت اخلاقی از طرف ارگان‌های مسئول لازم است تا زمینه استفاده ابزاری از این زنان کاهش یابد.

به زنان سرپرست خانوار گفته شد که برقراری روابط اجتماعی با دیگران بر عهده خود این زنان است و آن‌ها بایستی با رفتار خود این باور را در اطرافیان خود به وجود آورند که زنان سرپرست خانوار سزاوار طرد اجتماعی و منزوی شدن نیستند. علاوه بر آن پژوهشگر برای این جمع از زنان اهمیت مهارت‌های مقابله صحیح با رویدادهای تنش‌زا را مطرح کرد.

طاهره می‌گوید: «من توی زندگی خیلی اذیت شدم، ولی همیشه سعی کردم روحیم رو حفظ کنم. وقتی به مشکلی بر می‌خورم بلند میشم میرم پارک و به خودم امید میدم». مصاحبه شماره (۲)

عاطفه ۴۲ ساله دارای دو فرزند مبتلا به بیماری صعب‌العلاج که ۴ سال است از شوهرش جدا شده، می‌گوید: «من باید دنبال این باشم که سرنوشتمو بهتر کنم. می‌دونم من می‌تونم، ولی خدا هم باید کمک کنه». مصاحبه شماره (۸)



با آموزش دلگرم‌سازی مهارت‌ها ارتباطی افراد با یکدیگر نیز قوی‌تر خواهد شد. ملیحه می‌گوید: «این کلاس‌ها به ما آگاهی داد و مارو راهنمایی کرد. درد و دل‌های همدیگرو گوش دادیم. مشکلات همدیگه رو فهمیدیم و از همدیگه یاد گرفتیم و دوستای جدید پیدا کردیم و مهم‌تر از همه متوجه شدیم که فقط ما نیستیم که مشکل داریم خیلی‌ها شرایطشون بدتر از ماست و همین باعث شد که تحملمون بالا بره». مصاحبه شماره (۵)

مفهوم «تاب‌آوری» یکی دیگر از مفاهیمی است که رویارویی و چالش با آن در زندگی زنان سرپرست خانوار توجه‌برانگیز است. این مفهوم تمرکز انسان را از شکست خوردن در شرایط سخت به سوی رشد ویژگی‌های فردی و اجتماعی سوق می‌دهد.

حمیده می‌گوید: «گاهی حتی نون توی خونه نداشتیم. نون خشک‌ها رو با بچه‌ها آب زدیم و خوردیم، ولی باز هم امید داشتیم و به بچه‌ها گفتم خدا بزرگه، من مطمئنم همه چی درست میشه، باید تحمل کنیم». مصاحبه شماره (۳)

طاهره هم می‌گوید: «من همیشه به بچه‌هام میگم ما پنج تا انگشت داریم، ولی هر پنج تا یه اندازه نیستن. بنده‌های خدا هم مثل انگشتای دستن. راه برای پیشرفت و نجات زندگی بازه. فقط در زندگی نباید سختی‌ها و مشکلات بر ما غلبه کنن. ما باید بر اون‌ها غلبه کنیم تا از بین نریم». مصاحبه شماره (۲)

### مرحله سوم اقدام پژوهی: انجام عمل

موضوع جلسه چهارم فروش و بازاریابی با استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات است (سریع‌ترین روش آموزش برای داشتن درآمد). مرحله سوم در اقدام پژوهی انجام عمل است، یعنی برنامه عملی تدوین شده، اجرایی شود. در این جلسه ابتدا تعدادی از زنان سرپرست خانوار کارهای خود را ارائه کردند. برخی از آن‌ها بسیار سلیقه به خرج داده بودند که حتی باعث شد پژوهشگر نیز از آن‌ها ایده بگیرد. پس این گروه از زنان متوجه شدند که می‌شود از اشیاء بدون ارزش و بدون کاربرد اطراف درآمدزایی داشت. اکنون باید برای محصول تولید شده بازاریابی کرد. پس درباره اصول مهم در بازاریابی برای زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش توضیحاتی داده شد. پس از آن نوبت به فروش می‌رسد. برای فروش می‌توان

فروشگاهی داشت که باید رهن یا خریداری شود، تجهیزات دفتری، ماشین‌آلات، اینترنت، تلفن، ایاب و ذهاب، پذیرایی و غیره نیز باید وجود داشته باشد که مهیا کردن آن برای زنان سرپرست خانوار امری غیر ممکن است. خوشبختانه در دنیای امروز با دسترسی به تکنولوژی و فضای مجازی این مشکل برطرف شده و در روند انجام امور، تسهیلاتی ایجاد شده است. با توجه به اینکه تمامی زنان سرپرست خانوار به دنبال شغل و کسب درآمدی هستند که در خانه حضور داشته باشند و زندگی تحت نظارت و کنترلشان باشد و در عین حال مشغول به کار نیز باشند، فروش اینترنتی بهترین گزینه است. زنان سرپرست خانوار یا خود به تنهایی یا با کمک فرزندان و آشنایان به فروش اینترنتی در شیپور، هم محله، بیا تو، نعلبندان، ایفروش، دیوار و... و نیز در شبکه‌های اجتماعی نظیر تلگرام و اینستاگرام ترغیب شدند.

شهین گفت: «دخترم با بند کفش دستبند درست می‌کنه، یکی رو همین جوری

گذاشت توی سایت دیوار». مصاحبه شماره (۶)

ملیحه هم گفت: «من برای سفارش گرفتن غذای خونگی توی سایت شیپور و

دیوار آگهی گذاشتم». مصاحبه شماره (۵)

زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش که در کلاس‌های توانمندسازی شرکت کردند و آموزش‌های لازم را فرا گرفتند، مجدداً مصاحبه شدند و در نهایت دو کد دیگر از مصاحبه‌ها استخراج شد، یعنی عوامل تأثیرگذار در توانمندی اقتصادی و روانی زنان سرپرست خانوار.

### مرحله چهارم اقدام پژوهی: ارزیابی عمل

موضوع جلسه پنجم ارزیابی عمل و جمع‌بندی است. در مرحله آخر (چهارم) اقدام پژوهی نتایج عمل تحت عنوان ارزیابی عمل برحسب موارد ذیل ارزیابی می‌شود:

۱. آیا تشخیص اولیه صحیح بوده است؟ تشخیص اولیه در این پژوهش توسط

مشارکت‌کنندگان مشکلات اقتصادی، روانی و ناامنی محیط کار و عدم حمایت‌های

اجتماعی و عاطفی است و در تحلیل نهایی عمدتاً از اشتغال به عنوان مهم‌ترین معضل

زندگی نام برده شد.

۲. آیا برنامه عمل به درستی انجام شد؟ برنامه عمل در این پژوهش برای زنان سرپرست

خانوار آموزش مختصری بود که دیدند تا به وسیله آن بتوانند تا پایان پژوهش به نتیجه



برسند و کسب درآمد نیز داشته باشند.

۳. آیا انجام عمل به شکل مطلوب انجام شد؟ در این پژوهش برخی از زنان توانستند به فاصله بسیار کوتاهی (یکی دو روز) مشتری و فروش اینترنتی داشته باشند.
۴. چه نتیجه‌ای برای مرحله بعد در خدمت به تشخیص، برنامه عمل و عمل به دست آمد؟ با در نظر گرفتن موارد مذکور محقق به این نکته دست یافت که بهزیستی باید امکانات بیشتری همچون اینترنت و کامپیوتر و... را در اختیار زنان سرپرست خانوار قرار دهد. زیرا به‌رغم اینکه در حال حاضر راه حل پیشنهادی (فروش اینترنتی) آسان‌ترین، کم هزینه‌ترین و سریع‌ترین روش است، اما بسیاری از این زنان در منزل به آن دسترسی ندارند. در این جلسه برای ارزیابی عمل از مخاطبین درباره فروش محصولات نیز سؤالاتی پرسیده شد.

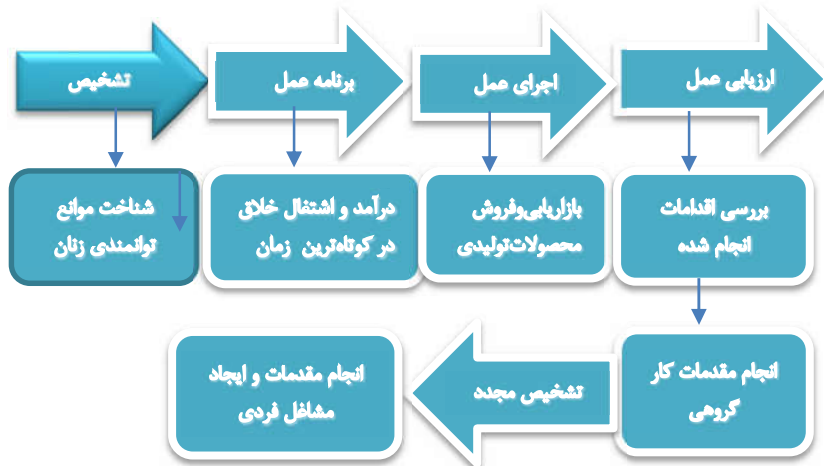
شهین گفت: «دخترم که با بند کفش دستبند بافته بود و توی سایت دیوار گذاشته بود. دو روز بعد یه نفر بهش زنگ زد و ۵ تا سفارش داد. خیلی خوشحال شد. اصلاً باورش نمی‌شد که بتونه فروش داشته باشه». مصاحبه شماره (۶)

ملیحه هم گفت: «من که برای سفارش غذای خونگی توی سایت شیپور و دیوار آگهی گذاشته بودم، فرداش یه خانم زنگ زد و برای سه نفر غذا سفارش داد که البته ۱۵۰۰۰ تومن برام داشت خیلی نبود، ولی بازم امیدوار شدم. یکی دو نفر هم برای شرکت تماس گرفتن ولی توافق نکردیم. فکر کنم باید یه کمی صبر داشته باشم». مصاحبه شماره (۵)

در مرحله چهارم علاوه بر موارد ذکر شده، درباره مشاغل خانگی مختلفی مانند خشک کردن سبزی با دستگاه سبزی خشک کن، گرفتن عرق گیاهان دارویی و درست کردن ترشی اظهار نظرهایی شد. با بررسی تمامی جوانب کار و هزینه‌های موجود، چون یکی از زنان سرپرست خانوار قبلاً تجربه درست کردن ترشی و وسایل مورد نیاز آن را نیز داشت، با اکثریت آراء درست کردن دو نوع ترشی به تصویب رسید. سپس تقسیم کار بین پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان برای گرفتن برچسب بهداشت و بازاریابی انجام شد. این زنان به فرمانداری،

سازمان صنعت و معدن و جهاد کشاورزی مراجعه کردند. تنها ارگانی که پاسخگوی راه‌اندازی مشاغل خانگی است، سازمان بهداشت و داروست. ادامه کار از طریق این سازمان پیگیری شد. مسئول مربوطه اظهار داشت که برای راه‌اندازی این شغل نیاز به تأیید یک مکان ۲۰۰ متری که از کف تا سقف کاشی شده باشد، توسط کارشناس این سازمان است تا پس از آن مراحل بعدی برای گرفتن برچسب بهداشتی محصول انجام شود. پس از پیگیری کار به مدت یک ماه و حتی انتخاب نام بیست بیست برای محصولات تولیدی و ملاقات با آقای صرامی یکی از صاحبان سیتی سنتر که در سخنرانی، برای همکاری با زنان سرپرست خانوار اعلام آمادگی کرده بودند، آمادگی خود را برای عقد قرارداد برای خرید تا ۴۰۰ کیلوگرم ترشی در روز به شرط داشتن برچسب بهداشت ابراز کردند. ولی به دلیل نبود ه‌آزم برای اجاره مکان، کار به حالت تعلیق درآمد تا در آینده نزدیک از افراد مناسبی برای مشارکت مالی کمک گرفته شود. این کار به دلیل نیاز مالی شدید بعضی از این زنان به اشتغال در آینده نزدیک پیگیری خواهد شد. مجدداً جلسه دیگری تشکیل شد تا یک بار دیگر تغییر در مرحله تشخیص ایجاد شود. این بار در بحث و تبادل نظری که به عمل آمد بنا شد تا شروع کار گروهی که ممکن است کمی به طول انجامد، برخی از این زنان که نیاز مالی شدید تری دارند از مشارکت مالی و آموزشی دیگران بهره‌مند شوند.

برای یک نفر از این زنان (ملیحه) با کمک مالی یکی از دوستان یک دستگاه سبزی خردکنی دست دوم به صورت اینترنتی خریداری شد و سپس ایشان به یکی از مغازه‌های فروش سبزی آماده معرفی شدند و با تحویل روزانه ۲۰ کیلو سبزی خرد شده کار خود را آغاز کردند. البته قرار شد پس از کسب درآمد به صورت اقساطی هزینه دستگاه پس داده شود. برای یک نفر دیگر (طاهره) دار تابلوفرشی که توسط یکی از بستگان چند سانتی متر آن بافته شده بود و از بافت بقیه‌اش منصرف شده بود، تهیه شد و قرار شد فقط پس از کامل شدن بافت و به فروش رساندن آن هزینه مواد اولیه پس داده شود. و دیگر مساعدت‌هایی که برای زنان سرپرست خانوار انجام شد، ولی به دلیل جلوگیری از اطاله کلام از بیان آن صرف نظر می‌شود.



شکل ۱: روند اقدام پژوهی توانمندسازی زنان سرپرست خانوار

### بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منطقه ۵ شهر اصفهان بود. برای نیل به این هدف در مرحله نخست با مراجعه به مجتمع بهزیستی شهید حیرانی طی ۱۱ مصاحبه نیمه ساخت یافته، به دو تیپ زنان فعال و منفعل سرپرست خانوار پی برده شد. همچنین در طی تحلیل مصاحبه‌های صورت یافته چندین مانع بر سر راه توانمندسازی زنان کشف شد. این موانع عبارت بودند از فقر اقتصادی، مشکلات جسمی و روانی، ناامنی محیط کار و عدم حمایت اجتماعی اطرافیان؛ که به دلیل اهمیت بیشتر موانع اقتصادی و روانی برای مقابله با این موانع، راهکارهایی برای توانمندسازی اقتصادی و روانی آن‌ها ارائه شد. در مرحله دوم درباره درآمد و اشتغال در کوتاه‌ترین زمان ممکن با تأکید بر ابتکار و خلاقیت برای تولید محصول بحث و تبادل نظر شد. سپس در مرحله سوم به اجرایی شدن برنامه عملی اقدام و به راهکارهایی برای بازاریابی و فروش محصولات تولیدی اشاره شد. در مرحله چهارم یعنی ارزیابی عمل، در ابتدا اقدام پژوهی پیرامون توانمندسازی زنان سرپرست خانوار برحسب معیارهای چهارگانه یعنی صحیح بودن تشخیص، برنامه عمل، اجرایی شدن عمل و ارزیابی عمل بررسی شد؛ دامنه تغییر در اقدام پژوهی از قبل تعیین شده نیست، بلکه به درگیری تحقیق با جنبه‌هایی از عمل انسانی و نیازی بستگی دارد که برای این درگیری احساس می‌شود و همواره تشخیص می‌تواند در دوره‌های بعدی اقدام پژوهی تغییر کند.

بنابراین، با حضور زنان سرپرست خانوار مجدداً جلسه‌ای تشکیل شد و در آن درباره‌ی یک کار گروهی بحث و تبادل نظر شد که در آن، جمع مذکور زنان، درباره‌ی مشاغل خانگی و گروهی مختلف اظهار نظر کردند و در نهایت به علت آشنایی بیشتر با مهارت تهیه‌ی ترشی مقدمات لازم برای تهیه‌ی ترشی به صورت انبوه از جمله تهیه مکان مناسب، نام تجاری، هماهنگی با سازمان بهداشت دارو و دیگر مراکز مرتبط و... انجام شد و برای مراحل بعدی برنامه‌ریزی‌های لازم انجام شد که برای عملی شدن کامل به زمان و فرایند مربوطه نیاز دارد و در آینده پیگیری می‌شود. شایان ذکر است که در اقدام پژوهی اصالت با فرآیند تحقیق است و نه با نتیجه. این قابلیت به معنای تسلط و مهارت محقق انتقادی در استقبال از هر رویدادی است که قابل پیش‌بینی نبوده و می‌تواند در فرآیند تحقیق لحاظ شود. بنابراین، در کنار این برنامه‌ریزی‌ها که می‌توان از آن به عنوان برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای زنان سرپرست خانوار نام برد، به دلیل مشکلات مالی شدید چند تن از این زنان چند برنامه کوتاه مدت و زود بازده به لحاظ مالی انجام شد. بدین ترتیب پژوهشگر توانست در برنامه‌ای اقدام‌پژوهی به کمک زنان سرپرست خانوار رفته و با برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی و روانی آن‌ها را مساعدت و یاری کند تا به گونه‌ای مؤثر در مواجهه با مشکلات خود اقدام کنند.

به گفته‌ی کوشای جای دادن پژوهش در دل یک نظریه دارای اهمیتی ویژه است (کوشای، ۱۳۹۰). هر چند استفاده از مبانی نظری به شیوه پارادایم پوزیتویستی در پژوهش‌های کیفی ضرورت چندانی ندارد، ولی برای اینکه این پژوهش صرفاً ساخته ذهن پژوهشگر و مشارکت‌کنندگان نباشد و تاحدی پشتوانه نظری داشته باشد، به نظریه نگارش سه وجهی توانمندسازی نایلا کبیر ارتباط داده شد. در ارتباط پژوهش حاضر با نظریه نگارش سه وجهی نایلا کبیر به توانمندسازی می‌توان گفت: نظریه کبیر توانمندی را حاوی سه عنصر با مفهوم مشترک در غالب تعاریف و مفاهیم می‌داند. نخستین عنصر منابع است که آموزش و اشتغال را شامل می‌شود و از عوامل تسریع‌کننده توانمندسازی به شمار می‌آید. همسو با نظریه کبیر همان‌طور که در این پژوهش نتایج نشان داد قطعاً زنان سرپرست خانواری که دارای تحصیلات یا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هستند، سریع‌تر می‌توانند به اشتغال دست یابند و توانمند شوند. دومین عنصر عاملیت است، عاملیت زنان به این موضوع اشاره دارد که زنان را نباید فقط دریافت‌کنندگان خدمات در نظر گرفت، بلکه خود زنان باید به عنوان بازیگران اصلی در فرآیند تغییر، به ویژه در انتخاب‌های مهم زندگی و منابع و تصمیماتی که تأثیر مهمی در





زندگی ایشان دارند، در نظر گرفته شوند و این همان دور کردن روحیه انفعالی در زنان [سرپرست خانوار] است. سومین عنصر، دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرآیند توانمندسازی ایجاد می‌شود. دستاوردها خشنود بودن، عزت نفس داشتن و مشارکت در زندگی اجتماعی را در بر می‌گیرد که به توانمندسازی روانی و اجتماعی منجر می‌شود. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته هدف از توانمندسازی نمونه‌های میدان تحقیق «تقویت توانایی زنان سرپرست خانوار در زمینه تأمین معیشت پایدار برای خود و افراد تحت پوششان» و به دنبال آن «ارتقاء توانایی ایشان در اداره و مدیریت خانواده» بوده است که در کنار هم معرف «توانمندی برای سرپرستی خانوار» است. یعنی افراد مورد مطالعه هنگامی به توانمندسازی واقعی دست یافته‌اند که علاوه بر تأمین معیشت از عهده مدیریت خانواده نیز برآیند که این مهم امکان‌پذیر نیست، مگر از طریق توانمندسازی اقتصادی و روانی.

در پایان شایان ذکر است که نتایج پژوهش جاری با برخی از پژوهش‌های گذشته همسو است. برای مثال اهمیت تحصیلات و اشتغال در توانمندسازی اقتصادی زنان در تحقیقات مختلفی نشان داده شده است (کتابی و همکاران، ۱۳۸۲؛ قلی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷ و بوشرا و جیها، ۲۰۱۵). زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش نیز ابراز داشتند اگر از تحصیلات آن‌ها ممانعت به عمل نیامده بود یا اینکه اگر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای دیده بودند، قطعاً در حال حاضر از وضعیت اقتصادی مطلوب‌تری بهره‌مند بودند.

عامل دوم اثرگذار و مانع موجود بر سر راه این زنان مشکلات روانی است که باید با اجرای طرح توانمندسازی روانی ویژگی‌های روانی مهمی همچون عزت نفس، اعتماد به نفس، توانایی تصمیم‌گیری و مسئولیت‌پذیری را در این زنان تقویت کرد. در بین تحقیقات مرور شده مواردی بودند که اثرگذاری اهمیت این موارد بر توانمندی زنان را تأیید کرده‌اند (کیمیایی، ۱۳۹۰؛ آزاده و تافته، ۱۳۹۴ و مالهاترا و همکاران، ۲۰۰۳). زنان سرپرست خانوار مجتمع بهزیستی حیرانی نیز معتقد بودند که باید نسبت به زندگی دلگرم و امیدوار شوند تا بتوانند بر پریشانی‌ها و افسردگی غلبه کنند و موانع را از سر راه خود برطرف کنند.

مانع ناامنی محیط کار و عدم حمایت‌های اجتماعی نیز زنان سرپرست خانوار را رنج می‌دهد. این مهم نیز در پژوهش‌های پیشین تأیید شده است (شادی‌طلب و همکاران، ۱۳۸۴ و معیدفر و حمیدی، ۱۳۸۵). زنان مشارکت‌کننده در این تحقیق نیز از ناامنی برخی محیط‌های

کاری و عدم حمایت‌های اجتماعی گله‌مند بودند که خود نیازمند برنامه‌ریزی‌های مناسب است.

آن چه گذشت، ماحصل مشارکت در مدت زمانی کوتاه با تعدادی از زنان سرپرست خانوار یک مرکز بهزیستی بود. امید است نتایج این پژوهش که برآمده از مصاحبه‌های زنان سرپرست خانوار است مورد توجه مسئولان مربوطه و سایر افراد جامعه قرار گیرد و سازمان‌هایی همچون بهزیستی با شناسایی زنان سرپرست خانوار فعال و منفعل، زنان سرپرست خانوار فعال را با رویکرد توانمندسازی و زنان سرپرست خانوار منفعل را با رویکرد حمایتی مورد عنایت و توجه خویش قرار دهند. در زمینه توانمندسازی نیز علاوه بر توانمندی اقتصادی، توانمندسازی روانی و اجتماعی را نیز در برنامه‌های اصلی خویش قرار دهند و از این آموزش‌ها به طور مستمر و جدی حمایت کنند تا جوی مساعد برای این قشر آسیب‌پذیر و خانواده‌های آن‌ها به وجود آید و اندکی از آلام آن‌ها کاسته شود، زیرا که بهره‌مندی از رفاه حداقلی و رسیدگی به مشکلات همه افراد جامعه مخصوصاً این قشر آسیب‌پذیر از جمله مهم‌ترین حقوق شهروندی است و نیز زمینه یک جامعه انسانی است.



## منابع

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۷۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی*، ترجمهٔ مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران: دنیای مادر.
- اعظم آزاده، منصوره و تافته، مریم (۱۳۹۴). روایت زنان سرپرست خانوار از موانع شادمانی *مطالعات زنان و خانواده*، ۲: ۶۰ - ۳۳.
- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی تحقیق در علوم انسانی*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۳). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شادی‌طلب، ژاله و گرایبی‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار، *فصل‌نامه پژوهش زنان*، ۱: ۷۰ - ۴۹.
- شادی‌طلب، ژاله و همکاران (۱۳۸۴). فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار *فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۷: ۲۳ - ۱.
- شریفی، محمد امین و همکاران (۱۳۸۹). تعیین عوامل مؤثر در تحقق خودکفایی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: استان کردستان) *مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان* ۸(۴): ۱۴۱-۱۲۱.
- فروزان، ستاره و اکبر بیگلریان (۱۳۸۲). زنان سرپرست خانوار، فرصت‌ها و چالش‌ها، *فصل‌نامه پژوهش زنان*، ۵: ۵۸ - ۳۵.
- قلی‌پور، آریین و همکاران (۱۳۸۷). نقش تحصیلات رسمی و اشتغال سازمانی در توانمندسازی زنان تهران، *فصل‌نامه پژوهش زنان*، ۳: ۱۳۲ - ۱۱۳.
- کبیر، نایلا (۱۳۸۹). تأملی در سنجش قدرتمند شدن زنان: منابع، عاملیت و دستاوردها، ترجمه فاطمه صادقی، *مقاله مندرج در کتاب توانمندی زنان: نقد رویکردهای رایج توسعه*، ترجمه اعظم خاتم و دیگران. تهران: آگه.
- کتابی، محمود و همکاران (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، *فصل‌نامه*

پژوهش زنان پاییز، ۳۰ - ۵.

کرمانی، مهدی و همکاران (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار. جامعه

شناسی ایران، ۳: ۱۴۸ - ۱۱۶.

کریمی، صدیقه و نصر، احمد (۱۳۹۲). روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه. پژوهش،

۱: ۹۴ - ۷۱.

کوشای، والسا (۱۳۹۰). اقدام پژوهی، پژوهشی در جهت بهبود عملکرد (راهنمای عملی)

ترجمه مهدی نامداری پژمان. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

کیمیایی، سید علی (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصل نامه علمی-

پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴۰: ۹۲ - ۶۳.

گیلهام، بیل (۱۳۸۶). مصاحبه پژوهشی، ترجمه محمد امینی و محسن نیازی. تهران: پندار

پارس.

محمدی، زهرا (۱۳۸۵). پیشینه نظری و تجربی زنان سرپرست خانوار، کتاب زنان، ۳۴.

معیدفر، سعید و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). زنان سرپرست خانوار نگفته‌ها و آسیب‌های

اجتماعی، فصل نامه علوم اجتماعی، ۵: ۱۵۷ - ۱۳۱.

موسوی، مرضیه و روانخواه، فاطمه (۱۳۹۵) واکاوی رابطه انواع نظام رفاهی با توانمندسازی

اقتصادی زنان؛ مطالعات اجتماعی و روان‌شناختی زنان، ۱۵، ۲: ۷۴.

مؤمنی‌زاده، ندا (۱۳۹۳). تحلیل مقایسه‌ای در خصوص زنان سرپرست خانوار مجله اقتصادی،

شماره‌های ۳ و ۴: ۱۲۰ - ۹۵.

نیومن، ویلیام لاورنس (۱۳۹۰). شیوه‌های پژوهش: رویکردهای کیفی و کمی جلد دوم. ترجمه

حسن دانایی فرد و سید حسین کاظمی. تهران: مهربان نشر.

Abbott, P. and Clare, W. (1999). *An Introduction to the Sociology: Feminist Perspectives*, Translation by Maryam Khorasani and Hamid Ahmadi, Tehran: Mother's World.

Azam Azadeh, M. and Tafte, M. (2015). Narrative of Female Heads of Households of Barriers to Happiness, in *Women and Family Studies*, No. 2: 33-60.

Chant, S.(2003). *Female Households Headship and the Feminization of Poverty*:



- Facts, Fictions and Forward Strategies*, Issue 9. Gender Institute, London School of Economics.
- Cohen, L. and et al.(2000). *Research Methods in Education* (5<sup>th</sup> ed), London: Routledge.
- Gholipour, A. and et al. (2008). The Role of Official Education and Organizational Employment in the Empowerment of Women in Tehran, *Women's Research Quarterly* . 3: 113-132 (Text in Persian).
- Gilham, B. (2007). *Interview with Mohammad Amini and Mohsen Neyasi*. Tehran: Pandar Pars Publications (Text in Persian).
- Iman, M. T. (2011). *Paradigm Fundamentals of Quantitative and Qualitative Methods of Research in Humanities*, Qom: Research Institute of Hawzah and University Publications (Text in Persian).
- Iman, M. T. (2014). *Methodology of Qualitative Research*, Qom: Publications of the Institute of Higher and Institutional Education (Text in Persian).
- Kabeer, N.( 2003), Gender Mainstreaming in Poverty Eradication and the Millennium Development Goals, *A Handbook for Policy Makers*, London: Common Wealth Secretariat.
- Kabeer, N. (2010). *A reflection on women's empowerment: resources, agency and achievements, translated by Fatemeh Sadeghi, in Women's Empowerment: A Critique of Common Approaches to Development, the translation of Azam Khatam and others*. Tehran: Publishing (Text in Persian).
- Kermani, M.. and et al. (2013). Factors Affecting the Capacity of Female Heads of Households, *in Sociology of Iran*. 3: 116-148(Text in Persian).
- Ketabi, M.. and et al. (2003). Empowering Women to Participate, *in the Development of the Women's Research Quarter*, Fall 2003: 5-30(Text in Persian).
- Kimyae, S. A. (2011). Female empowerment practices of the head of household. *Journal of Social Welfare Research* No. 40: 63-92(Text in Persian).
- Kushai, W. (2011). *Action research, research to improve performance* (practical guide) Translation by Mehdi Namdari Pejman., Tehran: Research Institute for Education(Text in Persian).
- Malhotra, A. S. R. Sehuler and C. Bonder(2002). Measuring Women's Empowerment as Variable in International Development, International Center for Research on Women.
- Moayedefar, S. and Hamidi, N. (2007). Female Heads of Households Non-Statements and Social Damages, *Social Science Journal of Social Sciences Number*. 5: 131-157(Text in Persian).
- Mohammadi, Z. (2006). Theoretical and Empirical Background of Female Heads of Households, *Women's Book*. 34(Text in Persian).
- Moosavi, M. and Ravankhah, F. (2016) Analysis of the Relationship Between the

- Welfare System and the Economic Empowerment of Women; *Social and Psychological Studies in Women*, 15, 2: 74(Text in Persian).
- Sales de Oliveira, C.(2014). Empowerment labs: Gender Equality, Employability and Theatre Catalyzing Social Change, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 161: 56-63.
- Setyaningsih, S. and et al.( 2012) Women Empowerment through Creative Industry: A case study, *Procedia Economics and Finance*, 4: 213-222.
- Shadi Talab, J. and Gareinejad, A.R. (2004). Poverty in Female Heads of Households. *Women's Research Quarterly*. 1: 49-70(Text in Persian).
- Shadi Talab, J. and et al. (2005). Income poverty is just one aspect of female heads of households' poverty. *Journal of Social Welfare Research*. 17: 1-23(Text in Persian).
- Sharifi, M. A. and et al. (2010). Determining the Factors Affecting the Realization of Self-Sufficiency of Female Heads of Household (Case Study: Kurdistan Province) *Social and Psychological Studies of Women*, 8(4): 121-141 (Text in Persian).
- Subramaniam, G. and et al.(2013). Workplace Flexibility, Empowerment and Quality of Life, *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 105:885-893.
- Tappen, RM. ( 2011). *Advanced Nursing Research: From Theory to Practice*, Sudbury, MA:Jones and Bartlett learning.
- Momeni Zadeh, N. (2014). Comparative analysis of households headed by women, *Journal of Economics* . 3 - 4: 95-120(Text in Persian).
- Bushra, A. and Nasra, W.( 2015), Assessing the Socio- Economic Determinants of Women Empowerment in Pakistan, *Procedia- Social and Behavioral Sciences* 177: 3-8
- Foruzan, S.and Biglari, A. (2003). Female Head of Households, Opportunities and Challenges. *Women's Research Quarterly*. 5: 35-58(Text in Persian).
- Karimi, S. and Nasr, A. (2013). Methods of interview data analysis. *Research*. 1: 71-94(Text in Persian).
- Knafel K.A. and Webster D.C. (1998). Managing and analyzing qualitative data: a description of tasks, techniques, and materials, *Western Journal of Nursing Research*, 10: 195-210
- Livingston, WG.( 2009). Discovering the Academic and social Transitions of Re-enrolling Student Veterans at one Institution: A Grounded Theory.
- Newman, W.L. (2011). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Volume II. Translation by Hassan Danaee Fard and Seyyed Hossein Kazemi. Tehran: Mehraban Publishing(Text in Persian).



## ***Empowering Female Heads of Households in District 5 of Isfahan with Emphasis on the Employment Factor***

Nasrin Akbari Torkamani\*

Master of Science in Women Studies, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Vahid Ghasemi

Professor of Social Sciences at Isfahan University, Isfahan, Iran

Ehsan Aqababae

Assistant Professor of Social Sciences, Isfahan University, Isfahan, Iran

### ***Abstract***

This research was carried out with the purpose of empowering women who were heads of their households and were members of a welfare center in Isfahan city. In order to increase the participating women's ability in coping with family members and others, their decision-making prowess and ability to persevere in the face of failures, this research tried to actively engage the participating women through holding workshops, offering individual, family and group counseling, in addition to life skill and communication skills training. Self-employment and marketing training was also provided to help them improve their financial position, to abandon their passivity, to be able to depend less on external help and financial aid – in other words, to empower them. Due to the distinct characteristics of the problem, it was decided to use action research methodology. Action research, with its democratic principles, endeavors to improve the situation and the living conditions of the participants and social groups involved in the study. Therefore, it was considered as the best possible method to achieve the research goals. The data were collected from 11 women who were heads of their households and members of Shahid Heyrani's welfare center located in district 5 of Isfahan. The data were coded and interpreted by Knafl and Webster method

---

\* Corresponding author: nat200200@yahoo.com

Submit Date: 2018-4-8    Accept Date: 2018-9-24

DOI: DOI: 10.22051/jwsps.2019.19887.1704



According to the results, there are 2 groups of women who are heads of families: active and passive. From the point of view of the participants, factors such as poverty, physical and mental problems, insecure work environments and lack of social support limit their empowerment progress. In order to enable women to face such restrictions and to empower them, some economic and psychological strategies were presented.

***Keywords***

empowering women, female household heads, Action Research, occupation